



اندیشه «پیشرفت» و «آرمان‌شهر گرایی» هر دو مربوط به وضع جدیدند. دکتر نصر در کتاب «اسلام سنتی در دنیای متجدد» می‌نویسد: «آرمان‌شهر گرایی در پی آن است که با شیوه‌ها و اسباب صرفاً بشری، نظام اجتماعی کاملی برپا کند.» اما این سودا چندان محقق‌شدنی نبود و بشر هر چه پیشتر آمد، بیشتر در ساختن چنین آرمان‌شهری که فقر و... ریشه‌کن شده باشد، احساس ضعف و در آن دسترس و صرفاً تابع تلاش بشری نبود. دکتر نصر می‌افزاید: «وضع آرمانی امری مورد نظر اسلام نیز [در آثاری] به شرح و وصف در آمده است، اما با وجود این، هیچ‌گاه از یاد نمی‌رفت که این سرزمین آرمانی کجاست. یعنی و رای منزلگاه زمین... دانسته می‌شد. واقع گرایی موجود در نظرگاه اسلام همراه با تأکید اکید قرآن کریم بر از دست رفتن تدریجی حالت آرمانی جامعه تا همین اواخر مانع رشد آرمان‌شهر گرایی موجود در فلسفه متجدد اروپا، در خاک اندیشه اسلامی بود. علاوه بر این، مسلمانان همواره به این امر واقف بودند که اگر وضع و حال آرمانی‌ای وجود داشته باشد، چنین چیزی فقط به واسطه امداد الهی میسر است.» همچنین دکتر نصر بنیادگرایی اسلامی را ناشی از آرمان‌شهر گرایی سکولار از جانب برخی مسلمانان می‌داند.



یکی از همان نهادها بود. در عین حال با وضعی که در آن دوران وجود داشت، چاره‌ای نبود. دوره طولیل استعمار غربی‌ها در هند و روس‌ها در شمال بود و ایران در پایان دوره قاجاریه، در این میان جزیره‌ای ضعیف بود و نمی‌شد که تکانی به خود ندهد و مثلاً به دوره استبداد سلجوقی یا شاه‌عباسی بازگردد.

بنابراین باید به یک نحوی مردم را در حفظ مملکت سهیم می‌کرد. این است که قدری منطق هم در کار مشروطه‌خواهان وجود داشت و واقعا برخی از آنها انسان‌های وطن‌پرستی بودند. منتها من به‌عنوان ایرانی‌ای که متعلق به آن نسل نیستم و بعداً آمدم، بسیار تاسف می‌خورم که چرا این وطن‌پرستی با اصول معنوی، دینی و اسلامی ما بیشتر توأم نشد و مشروطه اسلامی ایجاد نشد.

صرف اینکه آیه «و شاورهم فی الامر» را بنویسند و به دیوار بچسبانند کافی نیست و این در همه جا هست.

بلکه بیش از آن... چیزی که مد نظر من است چیزی بیش از این است، یعنی معتقدم به جای تقلید از نهادهای سیاسی غرب، باز کردن محیط سیاسی در دیدگاه فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی [باید محقق] می‌شد که متأسفانه با اوج و فرودهایی [مواجهه بوده] و خودتان [هم] می‌دانید که در ۱۰۰ سال گذشته در ایران چه رخ داده است.

◆ سنتی‌گرایی راهی برای خلاصی از این بحران‌ها نشان می‌دهد؟

بلی، ولی کسی نمی‌خواهد به این [راه خلاص] گوش کند. راه خلاص، برگشتن به اصول است و به همین خاطر باید از حوزه‌های کوچک شروع کرد. الان نمی‌توان برای تمام جهان برنامه‌ریزی کرد. باید با حوزه‌های کوچک و گروه‌های کوچک شروع کرد و ان‌شاء... کم‌کم - همانند جزیره‌هایی که وسط آب پیدا می‌شود - به هم پیوندند. البته الان هم گروه‌هایی هستند که مشغول به چنین اقداماتی‌اند.

◆ اگر درباره مشروطه در ایران نکته‌ای در ذهن شما باقی مانده که مطرح نشد، به‌عنوان جمع‌بندی بفرمایید.

برای من صحبت در باب مشروطه، موضوع مشکلی است. از لحاظ خانوادگی، پدر من عضو اولیه مجلس بود و در نوشتن قانون اساسی ایران در دوران مشروطه سهیم بود. یعنی از این‌سو مشروطه‌خواه بود.

از طرف مادری نوه شیخ فضل... نوری بودم که ایشان مخالف مشروطه بود. هر دو روند فرهنگی و فکری مشروطه در خانواده ما وجود داشت و من در چنین محیطی بزرگ شدم. اگر از لحاظ علمی بخواهم نگاه کنم من به‌طور کلی با اقتباس از نهادهای فرهنگی و سیاسی جدید همیشه مخالف بودم که مشروطه هم